



زودتر از موعد در فرزند ما شکل دهد.

قطعا انتظار می‌رود با نقش مهمی که آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت افراد دارد برای این مسئله برنامه‌هایی با نظر کارشناسان مربوطه داشته باشد، این نقش در ابعاد مختلف می‌تواند خود را نشان دهد هم در هدایت این پدیده به سمت و سوی درست و هم نقش اجتماعی و به ویژه اصلاح روابط همسالان که خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در طرف دیگر ارائه برنامه‌های آموزشی که فرزند ما را برای رو به رو شدن با چنین مسئله‌ای مجهز کند می‌تواند نقش فعالی را داشته باشد آموزش برای خانواده‌ها می‌تواند در قالب‌های متعدد ارائه شود؛ در یک طرف خانواده‌هایی که فرزند کوچک دارند و هنوز با این پدیده رو به رو نشده‌اند و می‌توانند با کسب اطلاعات لازم و مفید با این پدیده رو به رو شوند، در طرف دیگر خانواده‌هایی قرار دارند که فرزندانشان وارد این مرحله شده‌اند و آگاهی لازم را در نحوه برخورد ندارند و یا خانواده‌هایی که به دلیل این مسئله دچار بحران شده‌اند. در هر صورت آموزش خانواده مبتنی بر ارتباط صحیح والد- فرزند و خانواده درمانی می‌تواند کمک کننده باشد و این خانواده‌ها سعی کنند از راهنمایی روانشناسان و مشاوران استفاده کنند.

چکار کنیم که فرزندانمان دچار بلوغ زودرس نشوند؟

به نظر می‌رسد با توجه به تغییراتی که گفته شد (سبک زندگی به طور کلی) تا حدی رو به رو شدن با چنین پدیده‌ای ناگزیر است؛ اما بالا بردن آگاهی همه اقشار جامعه و به ویژه در راس آنها نهاد خانواده در مورد تحول و ویژگی‌های تحول، درک فرزند، برقراری ارتباط صحیح، استفاده درست و به جا از امکانات و شرایط پیش رو، فراهم کردن فرصت‌های تخلیه انرژی هیجانی به شکل درست و □ می‌تواند آسیب‌های این پدیده را به حداقل برساند و تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد.

حقارت و هزاران احساس نامناسب دیگر را نداشته باشد. نوع نگاه ما به پدیده‌ها (مثبت و یا منفی) می‌تواند شروع خوب یا بد را رقم بزند که تا انتها ادامه پیدا می‌کند. دادن حس پذیرفتن، درک کردن، امنیت و همراه بودن فرزند ما را به شکل درست رشد می‌دهد و به سمت و سوی درست هدایت می‌کند.

ترویج ازدواج در سنین پایین با استناد به این پدیده

گاهی اوقات با راه کارها و به دنبال آن رفتارهای نادرست نه تنها مسئله‌ای حل نمی‌شود بلکه مشکلی به مشکلات موجود اضافه می‌شود از جمله ترویج ازدواج در سن پایین بدون توجه به ابعاد مسئله. والدین در فرزند پروری شون معمولا حد تعادل را ندارند یا سهل گیر هستند و یا سخت گیر که هر دوی اونها میتونه آسیب زا باشه. سبک نادرست میتونه موجب ناسازگاری بشه و توانمندی‌ها رو کم کنه. البته بحث سبک‌های فرزند پروری بحث مفصلی هست.

محیط و اجتماع

همانطور که عنوان کردم بالا بردن آگاهی و درک فرزند در اولویت قرار دارد؛ البته تنها وظیفه والدین و مراقبین نیست که شرایط را در نظر بگیرند همه جامعه باید دست به دست هم بدهند تا فرزند احساس نا امنی، احساس حقارت و هزاران احساس نامناسب دیگر را نداشته باشد. نوع نگاه ما به پدیده‌ها (مثبت و یا منفی) می‌تواند شروع خوب یا بد را رقم بزند که تا انتها ادامه پیدا می‌کند. دادن حس پذیرفتن، درک کردن، امنیت و همراه بودن فرزند ما را به شکل درست رشد می‌دهد و به سمت و سوی درست هدایت می‌کند. به نظر می‌رسد میزان اطلاعات محیطی از طرق مختلف از جمله فضای مجازی و دسترسی به اطلاعات که به آن اشاره شد (محیطی که دنیایی از اطلاعات رو بدون حد و مرز پیش روی فرزند ما قرار میدهد)، دوستان و همسالان که جزئی از محیط و اجتماع هستند و تاثیر به سزایی دارند و با تبادل اطلاعات زمینه ساز بروز زودرس پدیده بلوغ را فراهم می‌کنند. پس بنابراین محیط چه به شکل فیزیکی و چه به شکل روانی می‌تواند این پدیده را